

دوفصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال سوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

بررسی انگیزتگی واژگانی در واژه‌های مرکب زبان فارسی در دو مقطع زمانی با فاصله دویست سال (دویست سال پیش و مقطع کنونی)

شهلا شریفی^۱

لیلا عرفانیان قونسولی^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۰

تاریخ تصویب: ۹۰/۲/۴

چکیده

انگیزتگی به معنی وجود سرنخی در صورت، برای رسیدن به معناست و به طور مستقیم، ما را از صورت به معنا رهنمون می‌شود؛ بدان معنا که رابطه صورت و معنا همواره یا تنها قراردادی نیست و یا اینکه گاه رابطه قراردادی به رابطه تصویرگونه مبدل می‌شود. یکی از انواع انگیزتگی، انگیزتگی در سطح واژه‌های مرکب است. واژه مرکب شفاف، واژه‌ای است که از مجموع معنای اجزای آن بتوان به معنای کلی دست یافت. درباره انگیزتگی، گروهی بر این باورند که واژگان ابتدایی بشر انگیزته بوده‌اند و با گذشت زمان، به دلیل روی دادن

۱. استادیار گروه زبان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

leilaerfaniyan@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد

تغییرهای آوایی و یا دگرگونی‌های دیگر، درجه انگیختگی واژگان کاهش یافته است. در این پژوهش، به صورتی عمیق‌تر و دقیق‌تر به این پدیده نگریسته‌ایم و برای بررسی این فرضیه، با انتخاب چهار متن سفرنامه از زمان حال و استخراج ۲۸۰۰ واژه محتوایی از آنها، انگیختگی واژگان مرکب را در این متن‌ها بررسی کرده‌ایم؛ سپس این واژه‌ها را با ۲۸۰۰ واژه استخراج‌شده از چهار متن در دو‌یست سال پیش مقایسه کردیم تا با بررسی‌ها و مقایسه‌های آماری دریابیم که از دو‌یست سال گذشته تاکنون، واژگان مرکب زبان فارسی به سمت انگیختگی رفته‌اند یا ناینگیختگی. مقایسه نتایج حاصل از بررسی این دو دوره نشان می‌دهد که در شمار واژگان مرکب نیمه‌انگیخته در زبان فارسی، در زمان حال، افزایشی معنادار نسبت به دو‌یست سال پیش صورت گرفته است؛ اما در شمار واژگان مرکب انگیخته، ناینگیخته و در مجموع واژگان مرکب، تغییری معنادار روی نداده است؛ بنابراین شاید بتوان گفت از دو‌یست سال گذشته تاکنون، واژگان مرکب نیمه-انگیخته در زبان فارسی، بیشتر به سمت شفافیت پیش رفته‌اند تا تیرگی.

واژه‌های کلیدی: انگیختگی^۱، ترکیب‌پذیری^۲، صورت^۳، معنا^۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Motivation
2. Compositionality
3. Form
4. Meaning

۱. مقدمه

کلمه‌های شفاف یا انگیزته آن دسته از کلمه‌ها هستند که از روی صدا، ساخت، رابطه و یا نشانه‌ای خاص بتوان معنی آنها را حدس زد یا بدان پی برد. در مقابل، کلمه‌های تیره به آن دسته از کلمه‌ها گفته می‌شود که تلفظ یا ساختشان، ردپایی برای شناخت معنی آنها به دست نمی‌دهد (باطنی، ۱۳۵۶: ۱۱۷).

با نگاهی اجمالی به پیشینه درمی‌یابیم برخی افراد که رابطه طبیعی بین صورت و معنا را پذیرفته‌اند، بر این اعتقادند که احتمالاً در آغاز، تمام کلمه‌های زبان، رابطه‌ای طبیعی با معنا داشته و نام‌آوا بوده‌اند؛ سپس با گذشت زمان و بر اثر روی‌دادن تغییرهای آوایی و ساخت‌واژی، این‌طور به نظر می‌رسد که بین صورت و معنای آنها، رابطه‌ای وجود ندارد. گروهی نیز بر این باورند که واژگان به دلیل ذات طبیعت‌گرای انسان، به سمت شفافیت و برقراری رابطه طبیعی بین صورت و معنا پیش می‌روند.

در این پژوهش، در پی آنیم که با بررسی متونی با موضوع سفرنامه از دوست سال پیش و نیز متونی مربوط به زمان حال، تحلیل فرایند انگیزتگی در واژه‌های مرکب، و سپس مقایسه آماری مجموع نتایج و داده‌های حاصل از دو دوره، از روند تغییر در واژگان مرکب زبان فارسی به سمت انگیزته یا ناانگیزته شدن در این برهه زمانی آگاهی یابیم؛ از این روی، در بخش دوم تحقیق، پیشینه نظری آثار پدیدآمده در زمینه انگیزتگی را ذکر خواهیم کرد؛ در بخش سوم، انگیزتگی و ناانگیزتگی را در واژه‌های مرکب شرح خواهیم داد؛ در بخش چهارم، روش تحقیق را بیان می‌کنیم و در ادامه، به شیوه گردآوری مطالب و تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت؛ در بخش پنجم، نخست داده‌های جمع‌آوری شده و سپس بررسی‌های انجام گرفته بر روی آنها را ذکر می‌کنیم؛ در بخش ششم، نتایج به دست آمده از بررسی‌های بخش پنجم را جمع‌بندی می‌کنیم و در ادامه، نتایج دو دوره را به تفکیک با یکدیگر مقایسه

می‌کنیم؛ سپس با انجام آزمونی آماری، معناداربودن این نتایج را می‌سنجیم و در پایان، از یافته‌های پژوهش نتیجه‌گیری می‌کنیم.

۲. پیشینه نظری

انسان از دیرباز در پی یافتن علت هر پدیده‌ای بوده و از این طریق، پیشرفت‌های زیادی در علوم مختلف حاصل گشته است. با بررسی تاریخ زبان‌شناسی و فلسفه نیز درمی‌یابیم که انسان - از زمانی که مدارک مربوط به آن در دسترس است - به دنبال یافتن رابطه بین صورت و معنای کلمه‌ها بوده و گاه طبیعی بودن رابطه بین صورت و معنا، و گاه رابطه قراردادی بین آنها را پذیرفته است.

مسئله بودن یا نبودن رابطه بین صورت و معنای واژگان، از زمان باستان و آثار افلاطون و ارسطو، راه خود را در حوزه فلسفه ادامه داده و به عنوان پرسشی در روند جدید زبان‌شناسی و ریشه‌شناسی قرن بیستم درآمده است. به نظر می‌رسد فردینان دوسوسور^۱ اولین کسی است که در قرن حاضر، این مسئله را مطرح کرده و این فرضیه را بیان کرده است که نشانه‌های زبانی، اختیاری‌اند (هریس، ۱۳۸۱: ۸۸). اولمن (۱۹۶۲) نیز برپایه دیدگاه کهن طبیعت‌گرایان و قراردادیان، به بررسی واژه‌های تیره و شفاف پرداخته و از جمله کسانی است که بحث درباره انگیختگی را جدی‌تر از دیگران دنبال کرده است و بیشتر پژوهش‌هایی که بعد از او انجام شده‌اند، به نوعی قالبی از کار او را در خود دارند. بایبی (۱۹۸۵) نیز به اهمیت شفافیت معنایی پی برده و مدلی ساخت‌واژی را برای دسته‌بندی واژه‌ها در نظر گرفته که براساس رابطه بین صورت و معنای آنهاست. براساس این مدل، جایی برای بی‌قاعدگی در ساخت‌واژه باقی نمی‌ماند و ساختار تمام واژه‌ها، توجیهی شفاف دارند که براساس رابطه بین

رتال جامع علوم انسانی

1. Ferdinand de Saussure

صورت و معناست. فریشبرگ نیز در تحقیقی (۱۹۷۵) گفته است که میزان تصویرگونگی در ASL، طی دویست سال گذشته کاهش یافته است (کارول، ۱۹۹۹: ۲۹-۳۰).

برخی دانشمندان ایرانی و اسلامی از جمله خلیل بن احمد فراهیدی و سیویه نیز اعتقاد دارند که رابطه بین صورت و معنا طبیعی است؛ ابوعلی فارسی، شاگردش ابن جنی، سیوطی و میرداماد هم رابطه لفظ و معنا را طبیعی دانسته‌اند (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۱۰). اگرچه فرایند انگیختگی و بررسی آن در قدیم، بیشتر مورد توجه بوده است، به نظر می‌رسد که تاکنون در زبان فارسی، کاری جدی در این حوزه انجام نشده و اندک پژوهش‌های صورت گرفته، یا قالب‌بندی کارهای دیگران مانند اولمن را دارند و یا تنها به برخی جنبه‌های انگیختگی، مثل نام‌آواها و نمادپردازی آوایی پرداخته‌اند.

اولمن انگیختگی را به سه دسته آوایی، ساخت‌واژی و معنایی تقسیم کرده است؛ اختیار (۱۳۴۸) و باطنی (۱۳۶۷) براساس همین طبقه‌بندی، کارهایی فراگیرتر و باارزش‌تر از دیگر آثار فارسی در این زمینه انجام داده‌اند؛ افراشی (۱۳۸۱) نیز با بهره‌گیری از اثر باطنی (۱۳۶۷)، در مقاله‌ای بانام «نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه‌های مرکب»، تیرگی و شفافیت واژه‌های مرکب را با استفاده از ابزار معنی ارجاعی بررسی کرده است؛ وحیدیان کامیار (۱۳۷۵) اولین کسی است که فرهنگ نام‌آواهای زبان فارسی را تدوین کرده و سبزواری (۱۳۸۸) نیز در رساله دکتری خود، ترکیب‌پذیری معنایی را در اسم‌های مرکب فارسی امروز بررسی کرده است.

۳. انگیختگی

قبل از اینکه بحث درباره انگیختگی را آغاز کنیم، باید به این سؤال پاسخ دهیم که انگیختگی چیست. بنابر آنچه سوسور درباره این موضوع گفته است، زبان مجموعه‌ای از نشانه‌هاست و نشانه زبانی، عبارت از رابطه اختیاری بین دال و مدلول است. بعضی نشانه‌ها

از نوع انگیخته‌اند و بعضی غیرانگیخته و البته بعضی‌ها هم نیمه‌انگیخته. فرایند انگیختگی با مسئله‌ی زمان ارتباط دارد؛ به عبارتی دیگر، گذشت زمان، سبب بروز انگیختگی در صورت-های زبانی می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت نشانه‌ای از نوع انگیخته به‌شمار می‌رود که در صورت آن، سرنخی برای رسیدن به معنا موجود باشد (آرونوف و فوندمن، ۲۰۰۵: ۱۰۴). در کلمه‌های تیره، یا از آغاز، رابطه‌ای بین صورت و معنا وجود نداشته و یا کم‌کم، این شفافیت تیره شده است. در بستر زبان، ممکن است آنچه انگیخته نبوده، انگیخته شود و آنچه انگیخته بوده، انگیختگی خود را از دست بدهد.

به طور کلی، در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی انگیختگی، این فرایند به سه دسته آوایی، ساخت‌واژی و معنایی تقسیم شده است. در این تحقیق، انگیختگی در واژه‌های مرکب را- که شاخه‌ای از انگیختگی ساخت‌واژی است- بررسی خواهیم کرد.

۱-۳. انگیختگی در واژه‌های مرکب

فرایند انگیختگی در ساخت‌واژه، ترکیب‌پذیری^۱ نام دارد و ساخت ترکیب‌پذیر، آن‌نوع ساختی است که معنایش از ترکیب معنای اجزایش به‌دست می‌آید (آرونوف و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۰۴-۱۰۶). انگیختگی در واژه‌های مختلف، درجاتی گوناگون دارد. افزایش (۱۳۸۱) در مقاله‌ای درباره‌ی انگیختگی در واژه‌های مرکب، باعنوان «نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه‌های مرکب»، درجه‌های مختلف انگیختگی را در واژه‌های مرکب، این‌گونه بیان می‌کند که اگر کلمه‌های سازنده‌ی واژه مرکب، در کاربرد ارجاعی خود به‌کار روند، نهایت شفافیت و در غیر این صورت، نهایت تیرگی را می‌رسانند؛ مثلاً واژه «نمک‌پاش» کاملاً شفاف است؛ زیرا «نمک» و «پاش» به همان چیزی اشاره می‌کنند که در جهان خارج، برای نامیدن آنها به‌کار می‌روند. واژه «شاه‌راه» تاحدودی غیرشفاف است؛

زیرا «شاه» دقیقاً به همان چیزی اشاره نمی‌کند که در جهان خارج، برای نامیدن آن به کار می‌رود. واژه «پاچه‌خوار» کاملاً تیره است؛ زیرا هر دو جزء آن دقیقاً به همان چیزی اشاره نمی‌کنند که در جهان خارج، برای نامیدن آن به کار می‌روند.

از دیگر نمونه‌های ترکیب می‌توان واژه‌های مکرر^۱ را ذکر کرد. این گروه، واژه‌هایی مرکب هستند که اجزاء ترکیبشان یکسان است؛ مثل «راه‌راه». واژه‌های مکرر نیز حالت انگیختگی دارند؛ چون گاه معنای تکرار، افزایش یا جمع می‌دهند (افراشی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۸)؛ مثلاً در واژه‌های «گل‌گلی» و «خط‌خطی» - که تکرار «گل» و «خط» در آنها، به صورتی طبیعی بر تکرار و تنوع دلالت می‌کند - انگیختگی وجود دارد.

۳-۲. ملاک‌های انگیختگی در واژه‌های مرکب

برخی واژه‌های مرکب، از نوع انگیخته و برخی دیگر، نیمه‌انگیخته یا ناانگیخته‌اند. معیار طبقه‌بندی و گنجاندن هریک از واژه‌های مرکب در یکی از این طبقات بدین شرح است:

۳-۲-۱. واژه مرکب انگیخته

در این بررسی، برای شناسایی واژه‌های مرکب انگیخته، از معیاری بدین شرح استفاده کرده‌ایم: اگر اجزای تشکیل‌دهنده واژه مرکب، در ترکیب، همان معنایی را داشته باشند که به تنهایی دارند، آن واژه از نوع مرکب انگیخته است. برای بررسی این معیار، نخست از فرهنگ لغت‌هایی استفاده کرده‌ایم که در همان دوره زمانی نگاشته شده‌اند؛ علاوه بر آن، برای برخی واژه‌ها، کاربرد واژه را در متون مربوط به همان زمان مورد توجه قرار دادیم؛ به طوری که اگر اجزای آن واژه در متون متعلق به همان دوره، به صورت جداگانه و به همان

معنایی که در واژه مرکب آمده‌اند، کاربرد داشته باشند، واژه مرکب از نوع انگیخته است؛ بنابراین واژه مرکب انگیخته شرایطی دارد از جمله:

الف) اگر بتوان از مجموع معنای اجزای واژه مرکب، به‌طور مستقیم به معنای واژه مرکب رسید، آن واژه از نوع انگیخته است؛ مثل: بزرگ‌راه.

ب) علاوه‌بر معیار یادشده، واژه‌های سازنده واژه مرکب باید در زمان ساخت واژه، کاربرد داشته باشند؛ مثلاً واژه «بلیشو» در زمان حال، از نوع انگیخته نیست و یکی از دلایل این مسئله، متداول‌نبودن اجزای آن در زمان حال است؛ مثل «بل» از مصدر «هلیدن»:

بلیشو	بی‌نظمی، شلوغی	بل = بهل: هلیدن: هشتن، اجازه‌دادن	بشو = شدن: رفتن	ناانگیخته
-------	----------------	-----------------------------------	-----------------	-----------

ج) واژه مرکبی از نوع انگیخته است که اجزای آن، علاوه‌بر ملاک‌های پیشین، به‌معنایی در واژه مرکب استفاده شوند که امروزه به‌کار می‌روند؛ مثلاً در واژه «بلیشو» امروزه، «شدن» به این معنا به‌کار نمی‌رود.

د) علاوه‌بر معیارهای مطرح‌شده، اجزای تشکیل‌دهنده واژه مرکب نباید به‌لحاظ آوایی تغییر کرده باشند؛ مثل واژه «بهل» ← «بل» در مثال بالا.

ه) ملاک دیگر، این است که از مجموع معنای واژگان تشکیل‌دهنده واژه مرکب بتوان به‌طور مستقیم، به معنای واژه مرکب رسید؛ نه از طریق روابط معنایی و استعاری؛ مثل واژه «سرگردانی»:

سرگردانی	آواره‌بودن، متحیربودن	سر = عضو بدن انسان و حیوان از گردن به بالا	گرد = ستاک حال گردیدن، چرخیدن	ان = پسوند فعال که معنی فاعلی و حالت می‌دهد	ی = پسوند فعال که اسم‌مصدر مرکب می‌سازد	نیمه‌انگیخته
----------	-----------------------	--	----------------------------------	---	---	--------------

در این واژه، بین معنای اجزای تشکیل‌دهنده واژه مرکب و معنای خود واژه، از طریق روابط معنایی، رابطه برقرار است.

۲-۲-۳. واژه مرکب نیمه‌انگیخته

واژه مرکب نیمه‌انگیخته واژه‌ای است که:

الف) یکی از واژه‌های تشکیل دهنده آن، معیارهای مطرح برای واژه مرکب انگیخته را نداشته باشد؛ مثل واژه «پرواز» که از دو جزء «پر» و «واز= باز» تشکیل شده است و به دلیل روی دادن دگرگونی آوایی در «باز» و تغییر آن به «واز»، واژه «پرواز» از نوع نیمه‌انگیخته است.

ب) حالت دیگر، آن است که به صورت غیرمستقیم و از طریق روابط معنایی بتوان از معنای اجزاء به معنای کل واژه رسید؛ مثل واژه «شیرزن» که در آن، بین معنای اجزای تشکیل دهنده واژه مرکب و معنای خود واژه، از طریق روابط معنایی، رابطه برقرار است؛ بنابراین، واژه مورد بحث از نوع نیمه‌انگیخته است.

به طور کلی می‌توان گفت در واژگان نیمه‌انگیخته، حالت انگیختگی کمتر از واژگان انگیخته و بیشتر از گروه ناانگیخته است.

۲-۲-۳. واژه مرکب ناانگیخته

در این گونه واژه مرکب، هیچ کدام از اعضای تشکیل دهنده، معیارهای مطرح برای واژه‌های

یک سره	مداوم، همه، همگی، سراسر	یک	سر= راس، انتهای فوقانی بدن انسان	ناانگیخته
--------	-------------------------	----	----------------------------------	-----------

مرکب انگیخته یا نیمه‌انگیخته را ندارند؛ مثل «یک سره»:

۴. روش تحقیق

برای بررسی و مقایسه فرایند انگیختگی در واژگان مرکب در متون دویست سال پیش و نیز متون معاصر کوشیده‌ایم از محاسبه‌های آماری استفاده کنیم. بر این اساس، مجموع واژه‌های انگیخته، نیمه‌انگیخته و ناانگیخته در متون دویست سال پیش را در حوزه واژه‌های

مرکب، محاسبه و آنها را با دوره کنونی مقایسه کرده‌ایم و معناداری مقایسه را با استفاده از آزمون‌های آماری سنجیده‌ایم.

۴-۱. شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها

برای مقایسه پدیده انگیزتگی در دو دوره زمانی، نخست لازم بود که متونی مناسب از هر دو دوره انتخاب کنیم.

۴-۱-۱. متون مورد بررسی

در این پژوهش، نخست متونی را انتخاب کردیم که در این دو دوره زمانی، در دسترس باشند، متونی را با موضوع سفرنامه برگزیدیم و برای مهار کردن تفاوت‌های سبکی در این بررسی، چهار متن را از هر دوره بررسی کردیم. این متون بدین شرح‌اند:

الف) متون مربوط به دویست سال پیش که عبارت‌اند از:

- متن شماره ۱: مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان از ابوطالب بن محمد اصفهانی و نگاشته شده به سال ۱۱۷۷ هجری شمسی؛

- متن شماره ۲: سفرنامه خسرو میرزا به پطرزبوغ و تاریخ زندگی عباس میرزا نایب‌السلطنه از میرزا مسعود انصاری و نگاشته شده به سال ۱۲۰۲ هجری شمسی؛

- متن شماره ۳: سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به روسیه از میرزا محمد هادی شیرازی (علوی) و نگاشته شده به سال ۱۱۸۷ هجری شمسی؛

- متن شماره ۴: سفرنامه میرزا صالح شیرازی از صالح شیرازی و نگاشته شده به سال ۱۱۸۸ هجری شمسی؛

ب) متون مربوط به زمان حال بدین شرح:

- متن شماره ۵: پرستو در قاف اثر علی رضا قزوه و نگاشته شده به سال ۱۳۷۵ هجری

شمسی؛

- متن شماره ۶: سفرنامه شمس آل احمد به آلمان و اسپانیا اثر شمس آل احمد و نگاشته شده به سال ۱۳۶۹ هجری شمسی؛
- متن شماره ۷: سفرنامه فرنگ اثر فخرالدین حجازی و نگاشته شده به سال ۱۳۶۲ هجری شمسی؛
- متن شماره ۸: اقلیم‌های دیگر اثر محمدجعفر یاحقی و نگاشته شده به سال ۱۳۶۳ هجری شمسی.

۲-۱-۴. انواع و تعداد واژگان مورد بررسی

برای انجام دادن این پژوهش، از هر کتاب، حدود پنج صفحه را انتخاب کردیم که شامل هفت صد واژه محتوایی‌اند. در بعضی موارد، بدان سبب که ممکن بود واژه یا واژه‌هایی در صفحات متوالی تکرار شوند، کوشیدیم تا پنج صفحه را به صورت متوالی انتخاب نکنیم. به این ترتیب، واژه‌های محتوایی، شامل اسم، فعل، صفت و قید جدا شدند و به عنوان مواد تحقیق، مورد استفاده قرار گرفتند.

۳-۱-۴. شیوه تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، براساس معیارهای مطرح شده، انگیزختگی را در هر یک از متون قدیمی و معاصر بررسی کرده‌ایم و سپس حاصل جمع هر یک از متغیرها را در چهار متن زمان قدیم و چهار متن معاصر به دست آورده‌ایم؛ آن گاه با انجام آزمون آماری معناداری بر روی این داده‌ها و مقایسه نتایج دو دوره با یکدیگر، به معناداری و نتایج حاصل از این محاسبه‌ها دست یافته‌ایم.

۵. عرضه و بررسی داده‌ها

همان طور که پیشتر نیز گفتیم، چهار متن با موضوع سفرنامه مربوط به دویست سال پیش و چهار متن مربوط به زمان حال را با همان موضوع انتخاب کردیم و در میان هفت صد واژه محتوایی از هر متن، واژه‌های مرکب را بررسی کردیم. متون دویست سال پیش، از شماره یک تا چهار و متون زمان حال، از شماره پنج تا هشت هستند. در این بخش، متون مورد بررسی و تحلیل‌های انجام‌شده بر روی آنها به تفکیک نشان داده شده‌اند. شایان ذکر است که به‌ضرورت مجال، از هر متن، تنها چهار واژه مرکب را به‌عنوان نمونه در ذیل، بیان کرده‌ایم:

۵-۱. متن شماره یک

واژه	معنی	جزء	جزء	انگیزتی
دل کش	بسیار خوشایند که اشتیاق و علاقه را جلب می‌کند	دل	کش = ستاک حال کشیدن	نیمه‌انگیزته
جباخانه	اتاق نگهداری خراج	جبا = باج و خراج	خانه = محل	انگیزته
شب‌نشینی	دورهم جمع شدن در شب‌هنگام	شب	نشینی = نشستن	انگیزته
رخت خواب	اسباب خوابیدن	رخت = لباس، اسباب	خواب	انگیزته

۵-۱-۱. بررسی داده‌های متن شماره یک

انگیزتی واژه‌های مرکب	انگیزته	نیمه‌انگیزته	نا انگیزته	جمع کل
۳۵	۱۵	۱	۵۱	

۵-۲. متن شماره دو

واژه	معنی	جزء	جزء	انگیزتی
شاه‌زاده	فرزند شاه	شاه	زاده = فرزند	انگیزته
خاطر جمعی	اطمینان خاطر	خاطر = اندیشه، آنچه در دل بگذرد	جمع = گردآوردن	نیمه‌انگیزته
پنج‌شنبه	پنج روز بعد از شنبه	پنج	شنبه	انگیزته
دل‌گیری	ناراحتی	دل = خاطر، ضمیر، روان	گیر = ستاک حال گرفتن: سد کردن، گرفتار کردن + ی	نیمه‌انگیزته

۵-۲-۱. بررسی داده‌های متن شماره دو

انگیزته	نیمه انگیزته	نا انگیزته	جمع کل
۱۲۰	۹	۰	۱۲۹

انگیزته‌های مرکب

۵-۳. متن شماره سه

واژه	معنی	جزء	جزء	انگیزته
عالم پناه	نگهبان جهان	عالم = جهان	پناه = نگاهبان	انگیزته
والاتبار	بلندمرتبه، عظیم‌الشان	والا = بلند، برتر	تبار = نژاد	انگیزته
دست آویز	بهبانه	دست	آویز = ستاک حال آویختن	نا انگیزته
دل نشین	دوست داشتنی، حسب مراد	دل = جان، روح	نشین = ستاک حال نشستن: جا گرفتن چیزی بر چیزی	نیمه انگیزته

۵-۳-۱. بررسی داده‌های متن شماره سه

انگیزته	نیمه انگیزته	نا انگیزته	جمع کل
۱۱۳	۷	۹	۱۲۹

انگیزته‌های مرکب

۵-۴. متن شماره چهار

واژه	معنی	جزء	جزء	جزء	انگیزته
رودخانه	گذرگاه کمابیش دائمی و طبیعی رود	رود = نهری که در جوی بارهای متعدد تشکیل می‌شود	خانه = محل		انگیزته
عالی‌جاه	والامقام	عالی = بلند، رفیع	جاه = مقام		انگیزته
نمک شناسی	حق شناس بودن، سپاس گزار بودن	نمک	شناس = ستاک حال شناختن: معرفت یافتن	ی = پسوند فعال که اسم مصدر مرکب می‌سازد	نیمه انگیزته
روح‌فزا	روح افزا، شادی بخش، مفرح، چیزی که بر زندگانی بیفزاید	روح = دل، جان	فزا = فزاینده: افزایش دهنده		نیمه انگیزته

۱-۴-۵. بررسی داده‌های متن شماره چهار

انگبختگی واژه‌های مرکب	انگبختگی	نیمه‌انگبختگی	ناانگبختگی	جمع کل
	۵۵	۱۶	۱	۷۲

۵-۵. متن شماره پنج

واژه	معنی	جزء	جزء	انگبختگی
قاره‌پیما	ویژگی آنچه بتواند طول یک قاره را بپیماید	قاره = هر یک از قطعات پنجگانه زمین	پیما = ستاک حال پیمودن: حرکت کردن در طول مسیری و عبور کردن از آن	انگبختگی
پیامبر	نبی، رسول	پیام = از زبان کسی مطلبی را به دیگری رساندن	بر = ستاک حال بردن: حمل کردن	انگبختگی
شیرزن	شیرزن = زن شجاع و دلیر	شیر = سلطان جنگل، شخص شجاع	زن	نیمه‌انگبختگی
سربالا	طفره‌آمیز	سر	بالا	ناانگبختگی

۱-۵-۵. بررسی داده‌های متن شماره پنج

انگبختگی واژه‌های مرکب	انگبختگی	نیمه‌انگبختگی	ناانگبختگی	جمع کل
	۶۷	۱۴	۱	۸۲

۶-۵. متن شماره شش

واژه	معنی	جزء	جزء	جزء	انگبختگی
سحرخیزی	سحر خیز بودن، صبح زود از خواب بیدار شدن	سحر = سپیده‌دم	خیز = برخاستن	ی = پسوند فعال که اسم مصدر مرکب می‌سازد	انگبختگی
وصیت‌نامه	نوشته‌ای مبنی بر سفارش کسی برای اجرای اعمالی بعد از مرگش	وصیت = سفارش کسی برای اجرای اعمالی پس از مرگش	نامه = ورقه‌ای که روی آن، مطالبی خطاب به کسی می‌نویسند		انگبختگی
سربلند	دارای حالت یا احساس خوش به خاطر عمل یا رفتار خویش	سر = عضو بدن انسان و حیوان از گردن به بالا	بلند = افزاشته، دراز		نیمه‌انگبختگی
پرواز	پرباز، عمل پریدن در هوا، پرگشادن مرغ	پر	واز = باز		نیمه‌انگبختگی

۱-۶-۵. بررسی داده‌های متن شماره شش

انگیزگی واژه‌های مرکب	انگیزته	نیمه انگیزته	نا انگیزته	جمع کل
۷۷	۲۰	۱	۹۸	

۲-۵. متن شماره هفت

واژه	معنی	جزء	جزء	انگیزگی
روشن فکر	روشن فکر = دارای بینشی آگاهانه، منطقی و دور از خرافه و تعصب	روشن = نورانی	فکر = اندیشه	نیمه انگیزته
بدبخت	بی بهره از زندگی یا وضع روحی مطلوب	بد = نامطلوب	بخت = طالع، اقبال	انگیزته
نفت خوار	کسانی که نفت را به غارت می برند	نفت	خوار = خورنده	نیمه انگیزته
پرشور	پرهیجان، هیجان انگیز	پر = انباشته	شور = هیجان	انگیزته

۱-۷-۵. بررسی داده‌های متن شماره هفت

انگیزگی واژه‌های مرکب	انگیزته	نیمه انگیزته	نا انگیزته	جمع کل
۷۵	۳۱	۱	۱۰۷	

۸-۵. متن شماره هشت

واژه	معنی	جزء	جزء	جزء	توضیح	انگیزگی
مزداری	اداره یا سازمانی که به کارهای مربوط به مرزهای کشور رسیدگی می کند	مرز = ناحیه، خطه، کشور	دار = ستاک حال داشتن: نگاه داشتن و حفاظت کردن	ی = پسوند فعال مصدری که بر عمل، حرفه، شغل و مکان کار دلالت دارد		انگیزته
مهمان خانه	مهمان سرا، جای پذیرایی از مهمان	مهمان	خانه = محل			انگیزته
ناز شست	آنچه به عنوان پاداش به کسی می دهند	ناز = عشوه	شست = انگشت بزرگ و پهن دست و پا			نا انگیزته
سرگردانی	آواره بودن، متحیر بودن	سر = عضو بدن انسان و حیوان از گردن به بالا	گرد = ستاک حال گردیدن، چرخیدن	ی = پسوند فعال که اسم مصدر مرکب می سازد		نیمه انگیزته

۱-۸-۵. بررسی داده‌های متن شماره هشت

انگیزتگی واژه‌های مرکب	انگیزتگی	نیمه‌انگیزتگی	ناانگیزتگی	جمع کل
	۷۱	۲۳	۵	۹۹

۶. بحث و نتیجه‌گیری

۶-۱. جمع‌بندی نتایج

در این بخش، نخست به جمع‌بندی نتایج حاصل از بررسی چهار متن دویست سال پیش و نیز جمع‌بندی نتایج حاصل از بررسی چهار متن زمان حال می‌پردازیم. نتایج به‌دست‌آمده از مجموع ۲۸۰۰ واژه در هر دوره بدین شرح است:

۶-۱-۱. حاصل جمع انگیزتگی در کل متون قدیمی (۱ و ۲ و ۳ و ۴)

انگیزتگی واژه‌های مرکب	انگیزتگی	نیمه‌انگیزتگی	ناانگیزتگی	جمع کل
	۳۲۳	۴۷	۱۱	۳۸۱

۶-۱-۲. حاصل جمع انگیزتگی در کل متون معاصر (۵ و ۶ و ۷ و ۸)

انگیزتگی واژه‌های مرکب	انگیزتگی	نیمه‌انگیزتگی	ناانگیزتگی	جمع کل
	۲۹۰	۸۸	۸	۳۸۶

۶-۲. مقایسه نتایج

پس از جمع‌بندی نتایج حاصل از بررسی متون هر دوره و با مقایسه مجموع نتایج به‌دست‌آمده در دو دوره زمانی، نتایج حاصل را در ذیل، به تفکیک بیان می‌کنیم؛ سپس برای بررسی این مسئله که آیا نتایج به‌دست‌آمده معنادار است یا خیر، از آزمون آماری معناداری استفاده می‌کنیم. در کل، نتایجی بدین شرح به‌دست آمده است:

۶-۲-۱. مقایسه واژه‌های مرکب انگیزتگی در دو دوره

واژه‌های مرکب انگیزتگی	دویست سال پیش	زمان حال	معناداری
	۳۲۳	۲۹۰	بی‌معنا

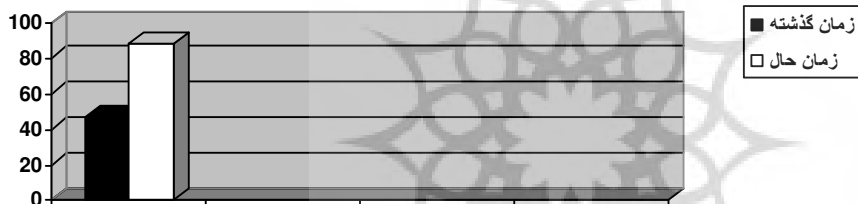
۶-۲-۲. نمودار مقایسه واژه‌های مرکب انگیزته در دو دوره



۶-۲-۳. مقایسه واژه‌های مرکب نیمه انگیزته در دو دوره

معناداری	زمان حال	دویست سال پیش	واژه‌های مرکب نیمه انگیزته
معنادار	۸۸	۴۷	

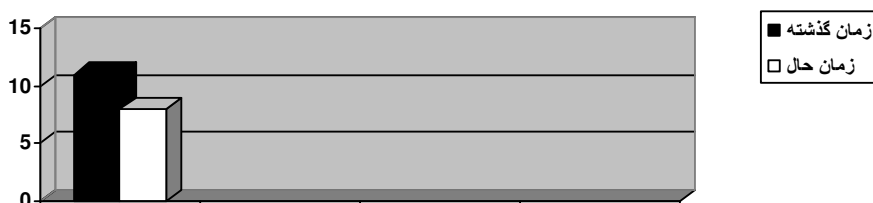
۶-۲-۴. نمودار مقایسه واژه‌های مرکب نیمه انگیزته در دو دوره



۶-۲-۵. مقایسه واژه‌های مرکب نا انگیزته در دو دوره

معناداری	زمان حال	دویست سال پیش	واژه‌های مرکب نا انگیزته
بی معنا	۸	۱۱	

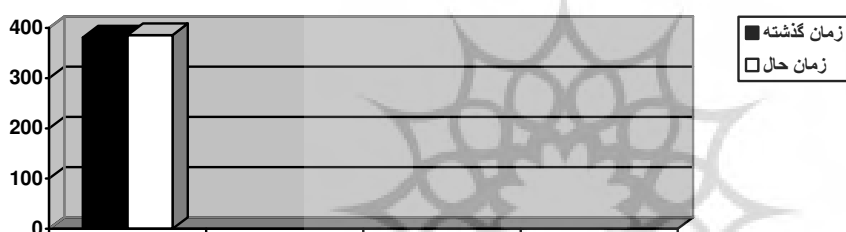
۶-۲-۶. نمودار مقایسه واژه‌های مرکب نانگیخته در دو دوره



۶-۲-۷. مقایسه مجموع واژه‌های مرکب در دو دوره

معناداری	زمان حال	دویست سال پیش	مجموع واژه‌های مرکب
بی معنا	۳۸۶	۳۸۱	

۶-۲-۸. نمودار مقایسه مجموع واژه‌های مرکب در دو دوره



۶-۳. نتیجه گیری نهایی

از آنچه تاکنون گفتیم، این نتایج به دست می آید:

الف) با مقایسه جنبه‌های مختلف انگیختگی در ۲۸۰۰ واژه محتوایی در زمان حال و ۲۸۰۰ واژه محتوایی در دویست سال گذشته، به نتایج بدین شرح دست یافته‌ایم: در شمار واژه‌های مرکب نیمه‌انگیخته در زبان فارسی، افزایشی معنادار در زمان حال، نسبت به دویست سال پیش دیده می‌شود؛ اما در شمار واژه‌های مرکب انگیخته، نانگیخته و در مجموع واژه‌های مرکب، تغییری معنادار روی نداده است.

ب) از آنجا که افزایش در جنبه‌های یادشده از فرایند انگیختگی در متون زمان حال به چشم می‌خورد و در هیچ جنبه‌ای از انگیختگی، کاهش معنادار درجه انگیختگی در متون زمان حال، نسبت به گذشته، ملموس نیست، شاید بتوان ادعا کرد که جنبه‌هایی از انگیختگی از دویت سال گذشته تاکنون رشد کرده‌اند و زبان فارسی به سمت شفافیت رفته است تا تیرگی. این نتیجه، فرضیه‌های مطرح در آغاز تحقیق را رد می‌کند. شاید دلیل این مسئله، کاهش ملموس واژه‌های قرضی عربی باشد که در متون دوویت سال پیش، به‌وفور یافت می‌شوند؛ البته بیان نتیجه قطعی درباره این موضوع، منوط به انجام پژوهش‌های بیشتر است. دلیل دیگر، نواژه‌هایی است که مردم می‌سازند و استفاده می‌کنند یا از طرف فرهنگستان ساخته می‌شوند و بیشتر، واژه‌های مرکب یا اشتقاقی‌اند تا واژه‌های بسیط و تیره. این امر، شفافیت را به زبان وارد می‌کند و می‌تواند دلیل شفافیت زبان فارسی در زمان حال نسبت به دویت سال پیش باشد.

ج) براساس یافته‌های پژوهش حاضر، به این نتیجه می‌رسیم که طبیعی یا قراردادی بودن رابطه صورت و معنا، پدیده‌ای ثابت نیست و بیش‌از دیگر عوامل، دست‌خوش تغییرهای ناشی از گذشت زمان است.

د) نتیجه دیگر این است که برخلاف آنچه طبعیون ادعا می‌کردند، نام‌آواها تنها واژه‌هایی نیستند که رابطه صورت و معنا در آنها از نوع طبیعی و مستقیم است؛ بلکه امروزه، این عناصر سهمی اندک در زبان دارند و واژه‌های مرکب و اشتقاقی، نمونه‌های در دست‌رس‌تر و ملموس‌تر رابطه صورت و معنا هستند که با بررسی آنها می‌توان به نتایجی جالب رسید. از طرفی، برخلاف آنچه قراردادیان ادعا می‌کنند، رابطه صورت و معنا به آن میزان که تصور می‌شود، قراردادی و دل‌بخواهی نیست؛ بلکه هر نظمی که در زبان مشاهده می‌شود، انگیختگی را همراه دارد و قراردادی و دل‌بخواهی بودن را محدود می‌کند؛ بنابراین، هر که به نظم در زبان اعتقاد داشته باشد، نمی‌تواند انگیختگی در زبان را انکار کند!!!

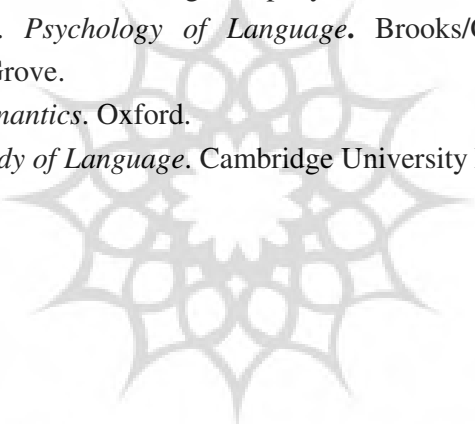
منابع

- آل احمد، شمس (۱۳۶۹). *سیر و سلوک: سفرنامه شمس آل احمد به آلمان و اسپانیا*. تهران: برگ.
- اختیار، منصور (۱۳۴۸). *معنی‌شناسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- اصفهانی، ابوطالب بن محمد (۱۳۵۲). *مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان*. تصحیح حسین خدیو جم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- افراشی، آزیتا (۱۳۸۱). «نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه‌های مرکب». *اندیشه‌هایی در معنی‌شناسی (یازده مقاله)*. تهران: فرهنگ کاوش. ۹۱-۱۰۴.
- انصاری، میرزاسعود (۱۳۴۹). *سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورگ و تاریخ زندگی عباس میرزا نایب السلطنه*. تصحیح محمد گلبن. تهران: اتحاد.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: سخن.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۷). «کلمات تیره و شفاف: بحثی در معناشناسی». *درباره زبان (مجموعه مقالات)*. تهران: فاروس ایران. ۱۱۷-۱۴۷.
- حجازی، فخرالدین (۱۳۶۲). *سفرنامه فرنگ*. تهران: بعثت.
- روینز، آر. اچ. (۱۳۷۰). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*. ترجمه علی محمد حق‌شناس. تهران: نشر مرکز.
- سبزواری، مهدی (۱۳۸۸). *ترکیب‌پذیری معنایی در اسامی مرکب فارسی امروز*. پایان‌نامه دکتری. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شیرازی، صالح (۱۳۴۷). *سفرنامه میرزا صالح شیرازی*. تصحیح اسماعیل راین. تهران: داورپناه.
- شیرازی (علوی)، میرزا محمد هادی (۱۳۵۷). *سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به روسیه*. تصحیح محمد گلبن. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۶). *فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی همراه گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی*. تهران: زوار.

- قزوه، علی رضا (۱۳۷۵). *پرستو در قاف*. تهران: سوره.
- معین، محمد (۱۳۴۰). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
- نفیسی (ناظم الاطباء)، علی اکبر (۱۳۵۵). *فرهنگ نفیسی*. تهران: مروی.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵). *فرهنگ نام آواها در زبان فارسی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

- هریس، روی (۱۳۸۱). *زبان، سوسور و وینکنشتاین*. ترجمه اسماعیل فقیه. تهران: نشر مرکز.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۳). *اقلیم‌های دیگر*. مشهد: دانشگاه مشهد.

- Aronoff, M. & K. Fundeman (2005). *What Is Morphology?*. Blackwell: Oxford.
- Bybee, Joan L. (1985). *Morphology: A Study of the Relation between Meaning and Form*. John Benjamins Publishing Company: Amsterdam.
- Carroll, David W. (1999). *Psychology of Language*. Brooks/Cole Publishing Company: Pacific Grove.
- Ullmann, Stephen (1962). *Semantics*. Oxford.
- Yule, George (1985). *The Study of Language*. Cambridge University Press: Great Britain.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی